



Investigating Persian Locative Prepositions based on Cognitive Linguistics Approach (Case Study 'Between')

Mohammadreza Pahlavannezhad¹, Zahra Hasanpuran²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: pahlavan@um.ac.ir
2. .Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: z_hasanpuran@mail.um.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 04 Jan 2023

Received in revised form:
09 Apr 2023

Accepted: 10 Apr 2023

Available online: 23 Sep
2023

Keywords:

locative prepositions,
polysemy,
Cognitive Linguistics,
Semantics,
Image Schemas.

ABSTRACT

Locative prepositions are one of the most important and widely used prepositional words of any language, which play an important role in representing human mental concepts in language. Basically, locative prepositions are one of the first prepositions that children produce in the process of learning their first language, and this is one of the most important reasons for the need to examine these letters cognitively. The aim of the present research is to investigate the polysemy of the locative preposition "between" in Persian language. To explain this polysemy, the principles of the school of cognitive linguistics and two theories of Principled Polysemy Tyler and Evans(2001) and Image Schemas Johnson (1987) have been used. The research data were collected from the second edition of Hamshahri corpus and two dictionaries of Dehkhoda (1998) and Moien (2007). The results of the research show that the semantic network of the preposition "between" has one prototype spatial and four radial meanings. The prototype meaning of this preposition indicates the space between two things, and other meanings are placed radially around it and are expanded from it.

Cite this article: Pahlavannezhad, M., & Hasanpuran, Z. (2023). Investigating Persian locative prepositions with Cognitive Linguistics approach (Case Study 'Between'). *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (3), 23-41.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2023.8661.1677



بررسی حرف اضافه «بین» در زبان فارسی براساس رویکرد زبان‌شناسی شناختی

محمدرضا پهلوان‌نژاد^۱، زهرا حسن‌پوران^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: pahlavan@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: z_hasanpuran@mail.um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴ دی ۱۴۰۱ تاریخ بازنگری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۲ دسترسی برخط: ۱ مهر ۱۴۰۲ واژه‌های کلیدی: حروف اضافه مکانی، چندمعنایی، زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی، طرح‌واره‌های تصویری.	حروف اضافه مکانی، از مهم‌ترین و پرکاربردترین کلمات نقش‌نمای هر زبانی هستند که نقش مهمی در بازنمایی مفاهیم ذهنی انسان در زبان دارند. اساساً حروف اضافه مکانی از نخستین کلمات نقش‌نمایی هستند که کودکان در روند فراگیری زبان اول دست به تولید آن می‌زنند و این خود از مهم‌ترین دلایل لزوم بررسی شناختی این حروف است. هدف از پژوهش پیش رو، بررسی چندمعنایی حرف اضافه مکانی «بین» در زبان فارسی است. برای تبیین این چندمعنایی، از اصول مکتب زبان‌شناسی شناختی و دو نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) و طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) استفاده شده است. داده‌های پژوهش، از نسخه دوم پیکره همشهری و دو فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷) و معین (۱۳۸۶) گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این مطلب است که شبکه معنایی حرف اضافه «بین» دارای یک معنی پیش‌نمونه مکانی و چهار معنای حاشیه‌ای است. معنای پیش‌نمونه‌ای این حرف اضافه، مبین فضای میان دو چیز است و سایر معنای، به شکل شعاع‌هایی در اطراف آن قرار گرفته و از آن بسط یافته‌اند.

استاد: پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ حسن‌پوران، زهرا (۱۴۰۲). بررسی حرف اضافه «بین» در زبان فارسی براساس رویکرد زبان‌شناسی شناختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۳)، ۲۳-۴۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2023.8661.1677

۱- مقدمه

حوزه مکان از نخستین حوزه‌های شناختی است که کودک به اکتشاف آن دست می‌زند و حروف اضافه مکانی نیز نخستین مفاهیم شناختی هستند که انسان درک می‌کند (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۵: ۳۳). بسط معنای مکانی این حروف به دیگر حوزه‌ها، به پیدایش سایر معانی و گسترش بار معنایی و بسامد بالای کاربرد آنان در سایر حوزه‌ها منجر شده است. به این ترتیب، حروف اضافه مکانی سهم بالایی در بازنمایی مفاهیم ذهنی در زبان دارند. هدف از این پژوهش، بررسی چندمعنایی حرف اضافه مکانی «بین» در زبان فارسی است. این بررسی، طبق اصول رویکرد زبان‌شناسی شناختی و با استفاده از دو نظریه چندمعنایی اصولی^۱ (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۱) و طرح‌واره‌های تصویری^۳ (جانسون، ۱۹۸۷) صورت می‌پذیرد.

در این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که شبکه معنایی حرف اضافه «بین» در زبان فارسی به چه صورت است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، داده‌های پژوهش از نسخه دوم پیکره همشهری و فرهنگ‌های دهخدا (۱۳۷۷) و معین (۱۳۸۶) جمع‌آوری شده‌اند. فرضیه‌ای که در این پژوهش مطرح است، این است که شبکه معنایی این حرف اضافه، متشکل از یک معنای مکانی پیش‌نمونه^۴ و یک یا چند معنای حاشیه‌ای است که در اطراف پیش‌نمونه قرار گرفته‌اند. در ادامه، به بیان پیشینه‌ای مختصر از پژوهش‌های صورت گرفته در باب چندمعنایی حروف اضافه با رویکرد شناختی می‌پردازیم. به این منظور، ابتدا تعدادی از پژوهش‌های ایرانی، سپس پژوهش‌های غیرایرانی را مرور می‌کنیم.

چندمعنایی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب رویکرد شناختی موضوع مطالعات بسیاری در سال‌های اخیر بوده و آثار متعددی در این زمینه منتشر شده است. برای مثال، حرف اضافه «از» در پژوهش‌های متعددی مطالعه شده است که از بین آن‌ها می‌توان به سراجیان اردستانی (۱۳۸۹)، زاهدی و محمدی زیارتی (۱۳۹۰)، خانزاده (۱۳۹۲) و بابایی فلاح (۱۳۹۸) اشاره کرد.

یوسفی‌راد (۱۳۸۷) تعدادی از حروف اضافه مکانی زبان فارسی را با رویکردی شناختی بررسی کرده است. حروف اضافه بررسی شده در این پژوهش از پایگاه داده‌های زبان فارسی استخراج شده‌اند و

1. Principled Polysemy
2. A. Tyler & V. Evans
3. Image Schemata
4. M. Johnson
5. prototype

یوسفی‌راد (۱۳۸۷) با تحلیل معانی مختلف هریک از آن‌ها نشان داده است که حروف اضافه فارسی عناصری چندمعنا هستند که معنای اولیه آن‌ها از طریق سازوکارهای شناختی استعاره و مجاز بسط پیدا می‌کنند و به شکل‌گیری معانی فرعی منجر می‌شوند. براساس نتایج این پژوهش، معانی حروف اضافه ترکیبی از عوامل مکانی و عوامل نقشی است که عامل نقشی حاصل پیکربندی مکانی و نوع رابطه «نگاره»^۱ با «زمینه»^۲ در طرح‌واره‌های تصویری این حروف است.

سراجیان اردستانی (۱۳۸۹) در چارچوب معناشناسی شناختی به بررسی چندمعنایی حرف اضافه «از» فارسی پرداخته است. وی براساس الگوی پیشنهادی تایلر و ایوانز (۲۰۰۳)، معنای پیش‌نمونه و معانی فرعی این حرف اضافه را مشخص کرده و آن‌ها را در قالب یک شبکه معنایی به تصویر کشیده است. سراجیان اردستانی (۱۳۸۹) معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «از» را «بیان منشأ چیزی» در نظر گرفته و در شبکه معنایی آن ۲۲ معنای متمایز ترسیم کرده است.

راسخ‌مهند و رنجبرضرابی (۱۳۹۲) حروف اضافه «در» و «سر» در زبان فارسی را طبق چارچوب زبان‌شناسی شناختی و الگوی تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) بررسی کرده و ضمن رسم شبکه معنایی این حروف، به تفسیر تقدم درک حوزه عینی مکان به حوزه انتزاعی زمان پرداخته‌اند. در این پژوهش، فرایندهای جسمی‌شدگی و طرح‌واره‌های تصویری در استعاره‌سازی از حوزه مکان به زمان با استفاده از این حروف اضافه موثر هستند.

مختاری و رضایی (۱۳۹۲) در چارچوب معنی‌شناسی واژگانی شناختی، مفاهیم گوناگون حرف اضافه «با» را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش این بوده است که نشان دهد معانی مختلف حرف اضافه «با» به صورت تصادفی ایجاد نشده‌اند و آن‌ها را می‌توان در قالب یک شبکه معنایی منظم نشان داد. با توجه به نتایج این پژوهش، حرف اضافه «با» دارای شبکه معنایی منسجمی است و در آن معانی گوناگون این حرف اضافه به صورت سه خوشه معنایی مختلف سازمان‌دهی شده‌اند: خوشه توافقی، خوشه تقابلی و خوشه وضعیتی. در مرکز این شبکه معنایی، معنای پیش‌نمونه قرار گرفته است که همان معنای «مجاورت و همراهی» است. معنای پیش‌نمونه و معانی فرعی در قالب ساختاری شعاعی به هم متصل شده‌اند.

رضویان و خانزاده (۱۳۹۳) با اشاره به این موضوع که مطالعه حروف اضافه زبان فارسی می‌تواند

گامی مؤثر برای شناخت پیچیدگی‌های این زبان و ارائه تبیینی صحیح از ساخت زبان فارسی باشد، به بررسی چندمعنایی حرف اضافه «به» از منظر معناشناسی شناختی و براساس الگوی چندمعنایی سامانمند (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۳) پرداخته‌اند. آن‌ها با گردآوری معانی مختلف این حرف اضافه از فرهنگ‌های معین (۱۳۸۶) و دهخدا (۱۳۷۷)، و مکالمات روزمره فارسی‌زبانان، معنای پیش‌نمونه و معانی مختلف «به» را تحلیل کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حرف اضافه «به» دارای معانی گوناگونی است که تمامی آن‌ها از معنای واحدی یعنی «الصاق و ارتباط» مشتق شده‌اند و تمامی معانی متمایز آن به‌طور نظام‌مند از پیش‌صحنه^۱ و مفهوم اولیه حاصل می‌شوند. معانی متمایز «به» عبارت‌اند از: مقصد، مخاطب‌سازی، پیش و نزد که زیرمجموعه مفهوم مقصد به شمار می‌آیند؛ بر روی، سازگار و مطابق، مقابل و برابر، توالی و ترتیب، تعلیل، استعانت و با استفاده از. همچنین مشخص شده است که معانی مشتق این حرف اضافه در واقع بسط استعاری معنای پیش‌نمونه هستند.

ایلکا (۱۳۹۴) هدف پژوهش خود را بررسی چهار حرف اضافه مکانی «به، در، از، روی، تا» در نوشتار فارسی‌آموزان خارجی ذکر کرده است. داده‌های پژوهش شامل تعدادی از برگه‌های امتحان نگارش فارسی پایان‌دوره زبان‌آموزان خارجی بوده است که به روش میدانی گردآوری و از طریق تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. آزمودنی‌ها در این پژوهش شامل ۱۰۵ نفر از فارسی‌آموزان مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی قزوین بوده‌اند (۴۵ نفر از سطح عمومی و ۶۰ نفر از سطح تخصصی) که به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فارسی‌آموزان خارجی در سطح عمومی علاوه بر معنای پیش‌نمونه حروف اضافه، بیشتر معنای حاشیه‌ای آن‌ها را استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که در سطح تخصصی عمدتاً معنای پیش‌نمونه را در نوشتار خود به کار برده‌اند. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که فارسی‌آموزان خارجی زبان‌های مختلف هرچند از لحاظ فراوانی کاربرد حروف اضافه مکانی باهم تفاوت دارند، عملکرد آن‌ها در فرایند یادگیری حروف اضافه تقریباً یکسان است.

در ادامه، به ارائه مروری بر مطالعات مرتبط با چندمعنایی حروف اضافه خارجی در چارچوب شناختی می‌پردازیم.

تحلیل چندمعنایی حروف اضافه از منظر معناشناسی شناختی با مطالعاتی آغاز شد که بروگمن^۲

(۱۹۸۱) در مورد حرف اضافه *over* در زبان انگلیسی انجام داد. از نظر بروگمن (۱۹۸۱)، *over* یک واحد واژگانی چندمعنا است که معانی مختلف آن به‌طور ساختارمند با یکدیگر مرتبط هستند و تمامی این معانی از یک معنای اولیه و مرکزی نشئت گرفته‌اند. بروگمن معنای اولیه و پیش‌نمونه این حرف اضافه را معادل '*above and across*' در نظر گرفت و معتقد بود که سایر معانی این حرف اضافه مشتق شده از این معنای پیش‌نمونه هستند.

پس از بروگمن (۱۹۸۱)، چندمعنایی حروف اضافه به یکی از موضوع‌های جذاب در حوزه معاشناسی شناختی تبدیل شد. بروگمن و لیکاف^۱ (۱۹۸۸) چندمعنایی حرف اضافه *over* را بار دیگر مطالعه کردند. به عقیده بروگمن و لیکاف، حروف اضافه نوعی رابطه فضایی (مکانی) بین دو عنصر را نشان می‌دهند که یکی از آن‌ها عنصر کانونی و اصلی و دیگری عنصر غیرکانونی و فرعی است. آن‌ها عنصر کانونی را نگاره^۲ و عنصر غیرکانونی را زمینه^۳ نامیدند. در ادامه این خط پژوهشی، دیرون^۴ (۱۹۹۳) به مطالعه معنای اولیه و پیش‌نمونه^{۱۲} حرف اضافه زبان انگلیسی پرداخت. او معنای حاشیه‌ای هریک از این حروف اضافه را حاصل بسط معنای پیش‌نمونه آن‌ها به حوزه‌های مفهومی متعدد مانند زمان، اندازه و حالت در نظر گرفته است.

جانگ^۵ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی معانی متنوع و مجزای حرف اضافه *down* در زبان انگلیسی پرداخته و نشان داده است که چگونه این معانی به شکل سازمان‌یافته‌ای به هم متصل هستند. در این مطالعه، معانی مختلف این حرف اضافه که از طریق مفهوم‌سازی، استعاره‌سازی و بسط معنای پیش‌نمونه ساخته شده‌اند، بررسی شده و معنای پیش‌نمونه آن، حرکت عمودی از یک مکان مرتفع‌تر به یک مکان پایین‌تر عنوان شده است. این معنای پیش‌نمونه، به درک مفهوم مایل و افقی این حرف اضافه منجر می‌شود. در این پژوهش، معنای استعاری حرف اضافه *down* بررسی شده و چگونگی اشتقاق سازمان‌یافته این معانی مختلف از معنای پیش‌نمونه تحلیل شده است.

دو^۶ (۲۰۲۲) در پژوهش کیفی خود، به بررسی انتقال معنای حرف اضافه انگلیسی *over* از حوزه مکان به حوزه‌های غیرمکانی در ۱۳۵۰ نمونه از آثار داستانی موجود در «پیکره انگلیسی معاصر

1. G. Lakoff
2. trajector
3. landmark
4. R. Dirven
5. E. Y. Jang
6. L. T. Do

آمریکایی» (۲۰۱۷) پرداخته است. در این پژوهش، نحوه انتقال معنا از حوزه مکان به حوزه‌های غیرمکانی، طبق نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره تصویری تبیین شده و استعاره‌های مفهومی ساخته شده از این حرف اضافه، به شکلی نظام‌مند بررسی شده‌اند تا معانی مختلف آن و سازوکارهای تغییر و بسط معنا در آن‌ها مشخص شوند. طبق نتایج به دست آمده، تغییر طرح‌واره‌های تصویری نقش مؤثری در بسط معنای حرف اضافه *over* دارند و معانی غیرمکانی این حرف اضافه از طریق استعاره‌های مفهومی که مبنای مکانی دارند، ساخته می‌شوند.

۲- مبانی نظری

حروف اضافه حوزه مکان، از جمله عناصر پرکاربرد و پربسامد در گونه گفتاری و نوشتاری هر زبان هستند. این حروف، از جمله مفاهیم اولیه شناختی هستند که کودک درک می‌کند و همین امر، دلیلی بر ضرورت بررسی زبانی آن بر مبنای مکتب شناختی است (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۵). در این بخش، پس از ذکر کلیاتی درباره زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌های طرح‌واره‌های تصویری و چندمعنایی اصولی که مبانی تحلیل داده‌ها را تشکیل می‌دهند، بررسی می‌شوند.

۲-۱- زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی یکی از مکاتب زبان‌شناسی و علوم شناختی محسوب می‌شود که ظهور آن به اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی‌گردد. بنابراین، این مکتب یا رویکرد طی چند دهه اخیر به جمله مکاتب غالب در زبان‌شناسی پیوسته و در کنار مکاتبی چون صورت‌گرا و نقش‌گرا قرار گرفته است. در این مکتب بر تحلیل معنای زبانی باتکیه بر توانایی‌های شناختی ذهن تأکید می‌شود و زبان‌شناسان شناختی زبان را در بافت و با معنای دایره‌المعارفی بررسی می‌کنند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۰). در این رویکرد، تمرکز اصلی بر نقش معنا، فرآیندهای مفهومی و تجربه‌های بدنمند^۱ در مطالعه زبان و ذهن است و ارتباط و تعامل بین زبان و ذهن در کانون توجه قرار می‌گیرد. البته لازم است ذکر شود که زبان‌شناسی شناختی یک نظریه واحد نیست؛ بلکه رویکردی به مطالعه زبان است که نظریات متعددی در ذیل آن قرار گرفته‌اند. در زبان‌شناسی شناختی دو شاخه پژوهشی اصلی به وجود آمده است: یکی معناشناسی شناختی^۲ و دیگری رویکردهای شناختی به دستور زبان (ایوانز، ۲۰۰۷: ۲۲) که بخش دوم از حوزه بررسی این مقاله خارج است.

چارچوب معناشناسی شناختی متشکل از نظریه‌های متعددی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دو نظریه طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) و نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) اشاره کرد. در پژوهش حاضر، تلفیقی از این نظریه‌ها استفاده می‌شود و تحلیل داده‌های پژوهش براساس آن‌ها صورت می‌پذیرد.

۱-۱-۲ طرح‌واره‌های تصویری

نظریه طرح‌واره‌های تصویری را نخستین بار جانسون (۱۹۸۷) مطرح کرد. به اعتقاد جانسون (۱۹۸۷)، زندگی در جهان سه‌بعدی و تجربه‌های حسی و بدنمند انسان، به ایجاد طرح‌واره‌هایی در نظام مفهومی ذهن می‌انجامد که وی آن‌ها را طرح‌واره‌های تصویری نامید. بنابراین، طرح‌واره‌های تصویری، حاصل تجربه زندگی و تعامل با محیط پیرامون به وسیله حس‌های چندگانه هستند. این تعامل‌ها و تجربه‌ها، ساختارهای مفهومی به شکل جسمانی شده یا بدنمندی را در ذهن انسان شکل می‌دهند و طرح‌واره‌های تصویری را به وجود می‌آورند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۰).

طرح‌واره‌های تصویری در واقع ساختارهای معناداری هستند که بر اثر حرکت بدن ما در مکان، سروکارداشتن با اشیا و تعاملات حسی و ادراکی ما به وجود می‌آیند. این طرح‌واره‌ها، نقش اساسی در درک، استدلال و فهم ما از جهان اطراف دارند. اگرچه تعداد این الگوها محدود است و غالباً به شکل بصری هستند، از آنجاکه در سطح انتزاعی ذهن ما وجود دارند، می‌توان آن‌ها را در بسیاری از رویدادها و تجربه‌های انسان مشاهده کرد. طرح‌واره‌ها معمولاً از عناصر محدودی تشکیل شده‌اند که با یکدیگر رابطه‌ای مشخص و محدود دارند. برای مثال، طرح‌واره مسیر از سه عنصر اصلی مبدأ، مسیر و مقصد تشکیل شده است که رابطه بین آن‌ها به این صورت است که فاصله بین نقاط مبدأ و مقصد تشکیل مسیر می‌دهد. شکل (۱)، طرح‌واره تصویری مسیر را که از طرح‌واره‌های پرکاربرد در زبان است، نشان می‌دهد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۵).



شکل (۱). طرح‌واره تصویری مسیر (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۵)

جمله‌های (الف) و (ب)، نمونه‌هایی از به‌کارگیری طرح‌واره تصویری مسیر در زبان فارسی

است.

۱. الف) زهرا از ایران به کانادا رفت.

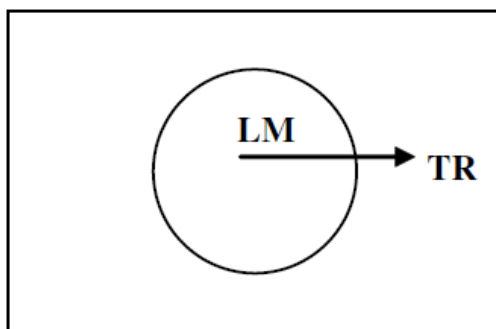
ب) زهرا از طریق ترکیه از ایران به کانادا رفت.

جمله (۱ الف)، تنها به بیان دو عنصر مبدأ و مقصد پرداخته است؛ در حالی که در جمله (۱ ب)، عنصر مسیر (در اینجا «ترکیه») نیز مطرح شده است.

اکنون به عنوان نمونه‌ای دیگر از طرح‌واره تصویری، به طرح‌واره تصویری حجمی (ظرف) می‌پردازیم. این طرح‌واره را در جمله (۲) بررسی می‌کنیم.

۲. زهرا از دانشگاه خارج شد.

در جمله بالا، طرح‌واره تصویری حجمی باعث درک مفهوم «خارج» در نظام مفهومی ذهن ما شده است. اساساً سه مفهوم «داخل»، «خارج» و «مرز» در طرح‌واره تصویری حجمی جای دارند. در جمله (۲)، زهرا یعنی کسی که از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند، شیء متحرک (TR) و دانشگاه یعنی حجم ثابت در نظام مفهومی ذهن ما، زمینه ثابت (LM) نام دارد. شکل (۲)، بازنمایی طرح‌واره حجمی را نشان می‌دهد.



شکل (۲). طرح‌واره تصویری حجمی (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۱)

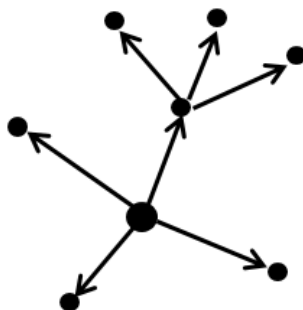
در شکل (۲)، دو عنصر شیء متحرک و زمینه ثابت نیز بازنمایی شده‌اند.

۲-۱-۲ چندمعنایی اصولی

تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) نظریه چندمعنایی اصولی خود را با ذکر معیارهایی برای بررسی معانی زبانی و رابطه میان آن‌ها ارائه کرده‌اند. در نظریه چندمعنایی اصولی، پنج معیار برای تعیین معنای پیش‌نمونه و سه معیار برای تعیین معانی جداگانه ارائه شده است که در ادامه به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

پنج معیاری که برای تعیین معنای پیش‌نمونه ارائه شده است، عبارت‌اند از: ۱. قدیمی‌ترین معنا در شبکه معنایی؛ ۲. مسلط‌ترین معنا در شبکه معنایی؛ ۳. پیش‌بینی‌پذیرترین معنا در شبکه معنایی؛ ۴. داشتن مرجع شناختی؛ ۵. معنای مرتبط با تجربه‌های واقعی بشر.

سه معیاری که برای تعیین معنای جداگانه ارائه شده است، عبارت‌اند از: ۱. معیار معنایی؛ ۲. معیار استفاده مفهومی؛ ۳. معیار دستوری. معیار معنایی به این اشاره دارد که هر معنا در شبکه معنایی باید معنایی جداگانه و جدید به شبکه بیفزاید. معیار استفاده مفهومی، مفاهیمی را در رابطه با پدیده باهم‌آیی بیان می‌کند. معیار دستوری نیز مبین این است که آن معنای جداگانه باید در بافت و ساختار مبرایی نسبت به معنای دیگر کاربرد داشته باشد. در تعیین هر معنای جداگانه، داشتن معیار نخست الزامی است؛ علاوه بر آن، معنای جداگانه باید حداقل دارای یکی از معیارهای دوم و سوم باشد. بازنمایی معنای پیش‌نمونه و معنای جداگانه در شبکه معنایی به این صورت است که معنای پیش‌نمونه در مرکز شبکه قرار گرفته و بقیه معنای به شکل شعاع‌هایی با فواصل دور و نزدیک از آن قرار می‌گیرند. شکل (۳) یک شبکه معنایی را با معنای پیش‌نمونه و معنای شعاعی بازنمایی می‌کند.



شکل (۳). نمونه‌ای از یک شبکه معنایی (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۷۶)

در این بازنمایی، معنای پیش‌نمونه (بزرگ‌ترین دایره توپر) در مرکز شبکه قرار گرفته است و بقیه معنای جداگانه، با شعاع‌هایی از آن ساطع شده‌اند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پیکره‌ای بوده و برای گردآوری داده‌ها از نسخه دوم پیکره همشهری و فرهنگ‌های دهخدا (۱۳۷۷) و معین (۱۳۸۶) استفاده شده است. به این منظور، واژه «بین» در پیکره و فرهنگ‌های منتخب جست‌وجوشده و کاربردهای حرف اضافه‌ای آن استخراج شده است؛ سپس طبق نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) و طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) و برمبنای

نظریه زبان‌شناسی شناختی، معنای پیش‌نمونه و معانی حاشیه‌ای حرف اضافه‌منتخب به روش توصیفی - تحلیلی تبیین شده‌اند.

۴- بررسی داده‌ها

در این بخش از مقاله، به بررسی داده‌های پژوهش در باب حروف اضافه «بین» و تبیین شبکه معنایی آن طبق دو نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) و طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) می‌پردازیم. در فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷، ج. ۴: ۵۲۸۲) واژه «بین» از مقوله اسم قلمداد شده و معانی مختلفی مانند «کران، فاصل، حدفاصل میان دو زمین، حدفاصل میان دو چیز» برای آن درج شده است. در فرهنگ معین (۱۳۸۶، ج. ۱: ۳۰۵) نیز این واژه از مقوله اسم محسوب شده و معانی «میان، فاصله میان دو چیز» برای آن ثبت شده است. بررسی جمله‌های دارای واژه «بین» در پیکره همشهری نشان می‌دهد که این واژه عمدتاً کاربرد حرف اضافه‌ای دارد.

در طرح‌واره تصویری حرف اضافه «بین»، دو زمینه ثابت وجود دارد که شیء متحرک در وسط آن دو قرار می‌گیرد (شکل ۴).

۴-۱ معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «بین»

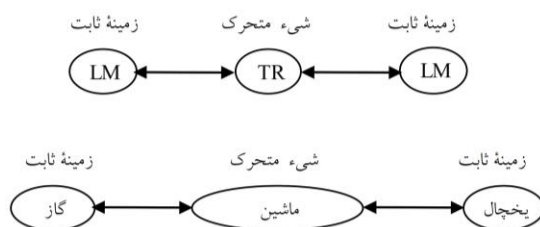
حرف اضافه «بین» به‌طور پیش‌نمونه‌ای بر فضای میان دو شیء دلالت دارد و آن را می‌توان معادل «وسط، میان، حدفاصل» دانست. براساس معیارهایی که در نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) برای تعیین معنای پیش‌نمونه معرفی کرده‌اند، این معنای پیش‌نمونه را می‌توان به‌نوعی در سایر معنای حرف اضافه «بین» نیز مشاهده کرد. برای مثال، در مفاهیم «فاصله مکانی» و «فاصله زمانی» حدفاصل بین دو نقطه از مکان یا زمان مدنظر است. در مفهوم «ارتباط دو یا چندطرفه» نیز مفهوم «حدوسط و میان» را می‌توان یافت. همچنین درمورد مفهوم «مقایسه» می‌توان گفت که ما خود را در حدوسط دو مفهوم عینی یا انتزاعی قرار می‌دهیم و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. بنابراین، در تمامی معنای «بین»، مفهوم «وسط، میان، حدفاصل» را می‌توان یافت؛ درنتیجه، این معنا مسلط‌ترین معنا در شبکه معنایی حرف اضافه «بین» است.

ازطرف دیگر، معنای پیش‌نمونه یادشده، از سایر معنای پیش‌بینی‌پذیرتر است؛ چون وقتی با حرف اضافه «بین» مواجه می‌شویم، نخستین معنایی که به ذهن ما خطور می‌کند، معنای «وسط، میان، حدفاصل» است. این معنا با تجربه‌های واقعی انسان نیز مرتبط هست؛ زیرا معنایی مکانی و عینی است

و مرجع شناختی دارد که این موارد نیز از معیارهای معرفی شده در نظریه چندمعنایی اصولی هستند. باتوجه به این مباحث، می‌توان استدلال کرد که مفهوم پیش‌نمونه‌ای یادشده، حداقل چهار مورد از معیارهای نظریه را برآورده می‌سازد.

معنای پیش‌نمونه «بین» معنایی مکانی است که نمونه‌هایی از آن را در مثال‌های زیر مشاهده می‌کنیم.
 ۳. الف) ماشین لباس‌شویی را بین یخچال و گاز گذاشتم.
 ب) چین و چروک‌های بین ابروها را صاف می‌کند.

در مثال (۳ الف)، عبارت «بین یخچال و گاز» اشاره به مکانی دارد که در وسط و حدفاصل یخچال و گاز قرار گرفته است. در مثال (۳ ب)، عبارت «بین ابروها» به فضایی اشاره دارد که میان دو ابرو قرار گرفته است. در مثال (۳ الف)، یخچال و گاز نقش زمینه ثابت را دارند و ماشین لباس‌شویی نقش شیء متحرک را دارد. در مثال (۳ ب)، ابروها زمینه ثابت و چین و چروک‌های بین آن‌ها شیء متحرک است. اگر بخواهیم معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «بین» را براساس طرح‌واره‌های تصویری نشان دهیم، شکلی شبیه به شکل (۴) خواهد داشت.



شکل (۴). طرح‌واره تصویری حرف اضافه «بین» در مفهوم «وسط، میان» (یافته‌های پژوهش)

۴-۲ مفهوم «فاصله مکانی»

یکی از معانی مهم حرف اضافه «بین» معنای فاصله مکانی یا حدفاصل مکانی بین دو نقطه است. در مثال‌های زیر شاهد حضور این معنای مکانی هستیم.

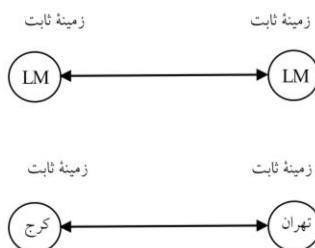
۴. الف) تردد بین تهران و کرج مجاز است.

ب) مسافت بین تهران و اصفهان خیلی زیاد نیست.

پ) در طول مسیر بین رشت و تبریز نقاط دیدنی زیادی وجود دارد.

در مثال‌های بالا، حدفاصل مکانی بین دو نقطه توسط حرف اضافه «بین» نشان داده شده است. در این مثال‌ها، نقاط ابتدایی و انتهایی این فاصله زمینه ثابت به شمار می‌روند. بنابراین، در مثال (۴ الف)،

تهران و کرج دو زمینه ثابت هستند که حدفاصل میان آن‌ها توسط حرف اضافه «بین» بیان شده است. تفاوت معنای «حدفاصل» با معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «بین» در این است که در اینجا فقط دو زمینه ثابت داریم؛ درحالی‌که شیء متحرک نداریم. بازنمایی طرح‌واره‌ای این معنای مکانی را در شکل (۵) مشاهده می‌کنیم.



شکل (۵). طرح‌واره تصویری حرف اضافه «بین» در مفهوم «فاصله مکانی» (یافته‌های پژوهش)

۴-۳ مفهوم «فاصله زمانی»

دو معنای قبلی حرف اضافه «بین»، معنای مکانی بودند؛ اما این حرف اضافه می‌تواند برای بیان مفهوم فاصله زمانی نیز به کار رود که نمونه‌هایی از آن را در مثال‌های زیر مشاهده می‌کنیم.

۵. الف) بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین بین سال‌های دهه ۱۹۷۰ تا آغاز هزاره سوم میلادی شاهد تحولات مثبت و امیدوارکننده‌ای بوده‌اند.

ب) واردات سیگار بین سال‌های ۷۴-۷۸ ممنوع بوده است.

در مثال‌های بالا، فاصله زمانی بین دو برهه از زمان به کمک حرف اضافه «بین» بیان شده است. این معنای «فاصله زمانی» در واقع بسط معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «بین» (فاصله مکانی) است. بسط معنای فاصله مکانی به فاصله زمانی به واسطه استعاره مفهومی «زمان، مکان است» رقم می‌خورد. این استعاره مفهومی پرتکرار در زبان فارسی و بسیاری از زبان‌های دنیا، نقش اساسی در درک ما از مفهوم انتزاعی زمان دارد.

البته لازم است گفته شود که حرف اضافه «بین» نه تنها برای بیان فاصله زمانی بلکه برای بیان هر نوع فاصله بین مفاهیم انتزاعی مانند کمیت‌ها و اعداد به کار می‌رود. در مثال‌های زیر، کاربرد این حرف اضافه برای بیان فواصل کمی را مشاهده می‌کنیم.

۶. الف) قیمت سیم‌کارت‌های فروشگاه‌های مختلف بین ۵ تا ۱۰ هزار تومان در نوسان است.

ب) اینکه روزانه بین ۱۰ تا ۲۵ سیم‌کارت تلفن همراه می‌سوزد، یک روال طبیعی است؟

همان‌طور که در مثال‌های بالا می‌بینیم، حرف اضافه «بین» وقتی برای بیان حدفاصل زمانی یا کمی به کار رود معمولاً با حرف اضافه «تا» همراه می‌شود.

۴-۴ مفهوم «ارتباط دو یا چندطرفه»

حرف اضافه «بین» در بعضی از کاربردها برای اشاره به ارتباط بین دو یا بیش از دو عنصر به کار می‌رود که همه این عناصر در طرح‌واره تصویری این حرف اضافه در نقش «زمینه ثابت» ظاهر می‌شوند. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید:

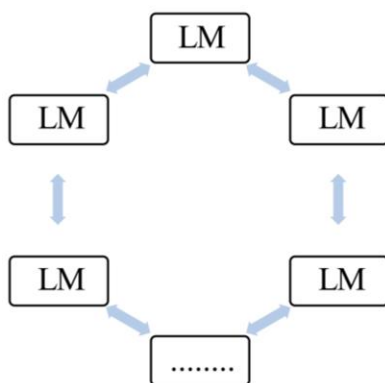
۷. الف) تعامل بین دولت و مجلس (ارتباط دوطرفه)

ب) سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران با اشاره به تعامل بین حوزه هنری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان هنر گفت ... (ارتباط سه‌طرفه)

پ) باید این همکاری بین ارکان مختلف نظام از جمله بخش خصوصی را نهادینه کنیم. (ارتباط چندطرفه)

در مثال (۷ الف)، حرف اضافه «بین» به ارتباط میان دو عنصر (دولت و مجلس) اشاره دارد. در مثال (۷ ب)، ارتباط بین سه عنصر (حوزه هنری، وزارت فرهنگ، فرهنگستان هنر) بیان شده است. در مثال (۷ پ)، ارکان مختلف نظام می‌تواند شامل هر تعداد از عناصر باشد. همان‌طور که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، در این حالت متمم حرف اضافه «بین» بر دو یا چند عنصر مختلف دلالت دارد که بین آن‌ها نوعی ارتباط برقرار است.

بازنمایی طرح‌واره‌ای حرف اضافه «بین» در معنای ارتباط دو یا چندطرفه در شکل (۶) نمایش داده شده است.



شکل (۶). معنای «ارتباط چندطرفه» (یافته‌های پژوهش)

۴-۵ مفهوم «مقایسه»

یکی دیگر از معانی حرف اضافه «بین» معنای مقایسه است. در این حالت، برای بیان تفاوت‌های میان دو یا چند چیز از حرف اضافه «بین» استفاده می‌شود و میان آن‌ها مقایسه صورت می‌گیرد. این معنا را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد.

۸ الف) در نظر داشته باشید که بین یخچال ایرانی و خارجی تفاوت‌های زیادی وجود دارد.

ب) بین این دو ژانر هنری تفاوت‌های چشمگیری دیده می‌شود.

در این مثال‌ها می‌بینیم که مقایسه میان یخچال ایرانی و خارجی در جمله (۸ الف) و میان دو ژانر هنری در جمله (۸ ب) به کمک حرف اضافه «بین» بیان شده است. به نظر می‌رسد که معنای «مقایسه» حاصل بسط استعارای معنای فاصله مکانی باشد؛ چون وقتی بین دو یا چند چیز مقایسه صورت می‌گیرد، در واقع، اختلافات بین آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و مفهوم اختلاف یا تفاوت ارتباط نزدیکی با مفهوم فاصله دارد.

۴-۶ شبکه معنایی حرف اضافه «بین»

بر اساس آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که حرف اضافه «بین» در معنای پیش‌نمونه خود، فاصله مکانی بین دو عنصر را بیان می‌کند که این معنا در مرکز شبکه معنایی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، حرف اضافه مذکور دارای معانی مکانی و غیرمکانی دیگری نیز هست که همگی آن‌ها به نوعی حاصل بسط استعارای معنای پیش‌نمونه هستند. پیش از آنکه شبکه معنایی حرف اضافه «بین» را ترسیم کنیم، لازم است که بر اساس معیارهای مطرح شده در نظریه چندمعنایی اصولی به تبیین معانی مجزای این حرف اضافه پردازیم تا مشخص شود چرا هریک از معانی مذکور در بالا را باید معنایی مجزا به حساب آورد. همان‌طور که در بخش دوم مقاله و در مباحث مربوط به نظریه چندمعنایی اصولی اشاره شد، در این نظریه سه معیار برای تعیین معانی مجزای حروف اضافه پیشنهاد شده است؛ به طوری که وجود معیار معنایی الزامی است و علاوه بر آن، باید حداقل یکی دیگر از معیارهای استحکام مفهومی و معیار دستوری نیز برآورده شود.

ابتدا به بررسی معیار معنایی می‌پردازیم که می‌گوید یک معنای مجزا باید مفهومی اضافی نسبت به سایر معانی داشته باشد. مفهوم «فاصله مکانی» نسبت به معنای پیش‌نمونه حرف اضافه «بین» این تفاوت را دارد که به جای یک نقطه واحد در حدفاصل دو شیء یا مکان، کل حدفاصل آن‌ها را برجسته می‌کند.

به بیان دیگر، مفهوم خط دارد و نه نقطه. توجه به مثال‌های ذکرشده در بخش ۴-۲ این تفاوت مفهومی را به خوبی نشان می‌دهد. مفهوم «فاصله زمانی» به وضوح با دو مفهوم قبلی دارای این تفاوت است که بر حدفاصل میان دو نقطه در حوزه انتزاعی زمان اشاره دارد و درواقع، کاربرد حرف اضافه «بین» را از حوزه مکان وارد حوزه زمان می‌کند.

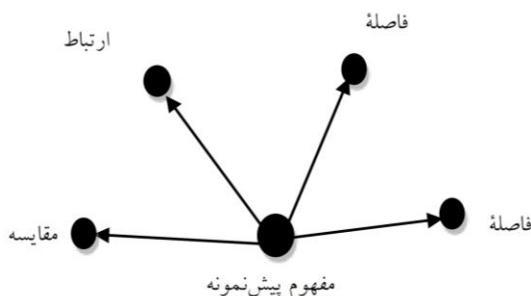
وجه تمایز مفهوم «ارتباط دو یا چندطرفه» با سایر مفاهیم این است که نه بر نقطه‌ای مابین دو شیء و مکان (یا زمان) یا خطی که آن‌ها را به هم وصل می‌کند، بلکه بر مفهوم ارتباط و پیوند بین دو یا چند عنصر اشاره دارد که مفهومی انتزاعی است و می‌توان آن را فارغ از مفهوم مکان درک کرد. برای مثال، درک ارتباط بین دو کشور یا دو شخص منوط به مفهوم مکان نیست. درنهایت، مفهوم «مقایسه» که آخرین مفهوم ذکرشده برای حرف اضافه «بین» است، مفهومی است که لزوماً به مفاهیم مکان و زمان ربطی ندارد و با مفهوم «رابطه» نیز از این نظر متفاوت است که بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو یا چند عنصر تکیه دارد و نه بر رابطه و پیوند بین آن‌ها.

براساس این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که پنج مفهوم معرفی‌شده در بالا هر یک مفهومی مجزا هستند که معیار معنایی در نظریه چندمعنایی اصولی را برآورده می‌سازند. تمامی پنج مفهوم معرفی‌شده برای «بین» معیار استحکام مفهومی را نیز برآورده می‌سازند. براساس این معیار، محدودیت‌های گزینشی یا باهم‌آیی که به یک واژه تحمیل می‌شود باعث ایجاد معنایی متفاوت و متمایز برای آن واژه می‌گردد.

باتوجه به مثال‌های ذکرشده، هر یک از معانی پنج‌گانه حرف اضافه «بین» علاوه بر آنکه بن‌مایه‌ای از معنای پیش‌نمونه این حرف اضافه را در خود دارند، متأثر از باهم‌آیی‌های واژگانی هستند. برای مثال، وقتی که واژه «بین» در جمله‌ای نظیر «فاصله بین تهران و اصفهان چقدر است؟» قرار می‌گیرد تحت تأثیر واژه «فاصله» و «چقدر» مفهوم «فاصله مکانی» پیدا می‌کند. اما اگر در باهم‌آیی با واژه‌های دال بر مفهوم زمان قرار گیرد مفهوم «فاصله زمانی» خواهد پذیرفت، مانند «فاصله بین دو مسابقه چقدر است؟» (ازلحاظ زمانی). به عنوان مثالی دیگر، مفهوم «ارتباط دو یا چندطرفه» می‌تواند از کاربرد واژه‌هایی همچون «تعامل»، «همکاری» و «پیوند» ناشی شود.

مفهوم «مقایسه» نیز بر اثر کاربرد واژه‌هایی مانند «تفاوت»، «شباهت» و نظایر این‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین، همه معنایی شناسایی‌شده برای حرف اضافه «بین» هر دو معیار معنایی و استحکام مفهومی را برآورده می‌سازند؛ در نتیجه، آن‌ها را باید معانی متمایز و مجزایی دانست که در شبکه معنایی این حرف

اضافه به نمایش درمی‌آیند. شبکه معنایی حرف اضافه «بین» در شکل (۷) به نمایش درآمده است.



شکل (۷). شبکه معنایی حرف اضافه «بین» در زبان فارسی (یافته‌های پژوهش)

طبق شکل (۷)، معانی حرف اضافه «بین» که در شبکه معنایی در حاشیه قرار می‌گیرند و به صورت شعاعی به معنای پیش‌نمونه وصل می‌شوند، عبارت‌اند از: «فاصله مکانی»، «فاصله زمانی»، «ارتباط دو یا چندطرفه» و «مقایسه».

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نظریه چندمعنایی اصولی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) الگوی منظمی برای بررسی شناختی چندمعنایی واژگان بسیط به دست می‌دهد که در پژوهش حاضر نیز این نظریه در کنار نظریه طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷) الگوی ما برای تبیین چندمعنایی حرف اضافه مکانی «بین» در زبان فارسی بوده است. نتایج بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش مبین این مطلب است که طرح‌واره تصویری حرف اضافه «بین»، دارای دو زمینه ثابت و یک شیء متحرک است که این شیء متحرک، وسط دو زمینه ثابت قرار دارد. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شبکه معنایی این حرف اضافه، یک معنی پیش‌نمونه و چهار معنی حاشیه‌ای دارد که معنی پیش‌نمونه و یکی از این معنای حاشیه‌ای از حوزه مکان، و سه معنی حاشیه‌ای دیگر، حاصل بسط استعاری از حوزه مکان هستند. در مرکز شبکه معنایی حرف اضافه «بین» در زبان فارسی، معنای پیش‌نمونه و مکانی آن قرار دارد که دال بر فضای میان دو چیز است. معنای حاشیه‌ای این حرف اضافه در شبکه معنایی نیز به این قرار است: ۱. فاصله مکانی (به معنای حدفاصل میان دو نقطه)؛ ۲. فاصله زمانی (به معنای حدفاصل دو برهه از زمان)؛ ۳. ارتباط دو یا چندطرفه بین دو یا چند عنصر؛ ۴. مقایسه (به منظور بیان تفاوت‌های میان دو یا چند چیز). این معنای حاشیه‌ای، به شکل شعاع‌هایی از معنای پیش‌نمونه که در مرکز شبکه معنایی قرار دارد، ساطع شده‌اند؛ در نتیجه، دلخواهی و اختیاری نیستند؛ بلکه بسط استعاری معنای مکانی، منتج به زایش این معنای شده است (براتور، ۲۰۱۴).

منابع

- ایلیکا، شهلا (۱۳۹۴). بررسی حروف اضافه مکانی در نوشتار فارسی آموزان خارجی از منظر رویکرد شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان.
- بابایی فلاح، سارا (۱۳۹۸). چندمعنایی حروف اضافه در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی و شیوه آموزش آن‌ها به فراگیران زبان فارسی به عنوان زبان بیگانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- خانزاده، معصومه (۱۳۹۲). بررسی چندمعنایی برخی حروف اضافه مکانی در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۰). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. چاپ دوم. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، محمد؛ رنجبر ضرابی، نفیسه (۱۳۹۲). بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۳(۵)، ۹۵-۱۱۲.
- رضویان، حسین؛ خانزاده، معصومه (۱۳۹۳). چندمعنایی حرف اضافه «به» در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲(۷)، ۵۷-۷۹.
- زاهدی، کیوان؛ محمدی‌زیارتی، عاطفه (۱۳۹۰). شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی. تازه‌های علوم شناختی، ۱۳(۱)، ۶۷-۸۰.
- سراجیان اردستانی، مهدخت (۱۳۸۹). بررسی چندمعنایی حرف اضافه «از» در قالب نظریه معنی‌شناسی شناختی. پازند، ۲۳(۲۳)، ۴۵-۶۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: روزنه.
- گلغام، ارسلان؛ یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه «در/توی». زبان و زبان‌شناسی، ۲(۳)، ۳۳-۴۶.
- مختاری، شهره؛ رضایی، حدائق (۱۳۹۲). بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۵(۹)، ۷۳-۹۴. <https://doi.org/10.22067/lj.v5i9.37338>
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. ۲ ج. تهران: ادنا کتاب راه نو.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۷). بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی. پایان‌نامه دکتری تخصصی رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

References

- Babayi Fallah, S. (2019). *The Polysemy of Prepositions in the Framework of Cognitive Semantics and the Method of Teaching Them to Learners of Persian as a Foreign Language*. M.A. Thesis in Linguistics, Shahid Beheshti University (In Persian).

- Bratož, S. (2014). Teaching English locative prepositions: A cognitive perspective. *Linguistica*, 54(1), 325-337. <https://doi.org/10.4312/linguistica.54.1.325-337>
- Brugman, C. (1981). *The Story of 'over': Polysemy, Semantics and the Structure the Lexicon*, M.A. Thesis, University of California, Berkeley (published New York: Garland, 1988).
- Brugman, C., & Lakoff, G. (1988). Cognitive topology and lexical networks. In S. Small, G. Cottrell & M. Tannenhaus (Eds.), *Lexical Ambiguity Resolution* (pp. 477-507). San Mateo, CA: Morgan Kaufman.
- Dehkoda, A. (1998). Dictionary. Tehran: Rozaneh (In Persian).
- Dirven, R. (1993). Dividing up physical and mental space into conceptual categories by means of English prepositions. In C. Zelinsky-Wibbelt (Ed.), *The Semantics of Prepositions: From Mental Processing to Natural Language* (pp. 73-97). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Do, L. T. (2022). Over Again: A Cognitive Account of its Meaning Transference in the Light of an Image-schema Based Model. *GEMA Online Journal of Language Studies*, 22(2), May 2022. <http://doi.org/10.17576/gema-2022-2202-01>
- Evans, V. (2007). *Glossary of cognitive linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Golfam, A. & Yusefi Rad, F. (2006). Examining locative prepositions in cognitive framework: case studying the preposition 'dar, tuye'. *Language and Linguistics*, 2(3), 33-46 (In Persian).
- Ilka, Sh. (2015). *Investigating Locative Prepositions in the Writing of Foreign Persian Learners from the perspective of Cognitive Approach*. M.A. Thesis in Linguistics, Semnan University (In Persian).
- Jang, E. Y. (2019). A Cognitive Semantic Analysis on the Polysemy 'Down'. *새한영어영문학*, 61(2), 231-250.
- Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination and reason*. Chicago: Chicago University Press.
- Khanzadeh, M. (2013). *Examining the Polysemy of Some Locative Prepositions in Persian Language with the Approach of Cognitive Semantics*. M.A. Thesis in Linguistics, Semnan University (In Persian).
- Moein, M. (2007). *Moein Dictionary* (2 Vols.). Tehran: Adena New Way Book Press (In Persian).
- Mokhtari, Sh. & Rezayi, H. (2013). A cognitive study of the semantic network of the preposition 'ba' in Persian language. *Linguistics and Khorasan Dialects*, 5(9), 73-94 (In Persian). <https://doi.org/10.22067/lj.v5i9.37338>
- Rasekh Mahand, M. & Ranjbar Zarabi, N. (2013). Examining semantic network of the prepositions 'dar' and 'sar'. *Comparative Linguistics Researches*, 3(5), 95-112 (In Persian).
- Rasekh Mahand, M. (2011). An introduction to cognitive linguistics: Theories and concepts (2nd ed.). Tehran: Samt (In Persian).
- Razavian, H. & Khanzadeh, M. (2014). Polysemy of the preposition 'be' in Persian

- language with cognitive semantics approach. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 2(7), 57-79 (In Persian).
- Sarajyan Ardestani, M. (2010). Examining polysemy of the preposition 'az' in the form of cognitive semantics theory. *Pazand*, (23), 45-63 (In Persian).
- Tyler, A., & Evans, V. (2001). Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over. *Language*, 77(4), 724-765.
- Tyler, A., & Evans, V. (2003). *The semantics of English prepositions, spatial scenes, embodied meaning and cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yusefi Rad, F. (2008). *Investigating Persian Prepositions in the Framework of Cognitive Semantics with a Special Look at Locative Prepositions*. Ph.D Thesis in Linguistics, Tarbiyat Modarres University, Tehran (In Persian).
- Zahedi, K. & Mohammadi Ziyarati, A. (2011). Semantic network of the Persian preposition 'az' in cognitive semantics framework. *Advances in Cognitive Sciences*, 13(1), 67-80 (In Persian).

